

گفتمان امام حسین (ع) و گفتمان پایداری

«امام حسین به مثابه تیپ ایده آل مردانگی در گفتمان پایداری»

علی یعقوبی چوبری (دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان)

چکیده:

یکی از ارکان عمده جامعه ایران دین است. در آیین تشیع یکی از شخصیت‌های کارزماتیک که نقش عمده‌ای در کنش‌های رزمندگان در سرحدات جنگی داشته امام حسین (ع) بوده است. در این مقاله با تحلیل محتوای کیفی اشعار صادق آهنگران و غلامرضا کویتی پور و نشانه‌شناسی عکس‌های رزمندگان دوران جنگ به تبیین تاثیر گفتمان امام حسین (ع) برگفتمان رزمندگان پرداخته شده است. با مطالعه در اشعار صادق آهنگران و غلامرضا کویتی پور می‌توان دریافت رزمندگان در زمان جنگ خود را با امام حسین (ع) و خاندان آن حضرت هم‌ذات‌پنداری می‌کردند. مداحان مزبور با مرثیه-سرایی خویش جهان اجتماعی رزمندگان را نسبت به گذشته بسط می‌دادند. امام حسین به مثابه یکی از اسطوره‌های دینی نقش عمده‌ای در باورداشت‌های مردم داشته است و بخش عمده رفتارهای رزمندگان ریشه در باورها و عقاید دینی ملهم از واقعه کربلا دارد. که این عقاید در نگرش آنان به مفهوم شهادت اثر گذاشته است. این امر مفهوم «مرگ» یا «مرگ‌هراسی» را برای جوانان رزمنده اسطوره‌زدایی کرده بود.

کلیدواژه‌ها: گفتمان پایداری، گفتمان امام حسین، مردانگی، صادق آهنگران، غلامرضا

کویتی پور.

مقدمه

یکی از ارکان عمده جامعه ایران دین است. در آیین تشیع یکی از شخصیت های کارزماتیک که نقش عمده ای در کنشهای رزمندگان در سرحدات جنگی داشته امام حسین (ع) محسوب می شود. در اینباره در سطح تئوریک، فرهنگ دارای لایه های متفاوتی است. در لایه های زیرین عقاید و ارزشها و در لایه های رویین هنجارها و نمادها هستند. تغییرات که مربوط به لایه های زیرین باشند موجب تغییرات اساسی و ساختاری در لایه های رویین فرهنگ می شوند. بین ارزش ها نگرش ها و هنجارها یا کنش ها پیوند نزدیکی وجود دارد، ارزش ها سرمنشأ نگرش هستند و نگرش موجب کنش می شود که هر نوع تغییری در باورها و ارزشهای نوجوانان انعکاس آن را در کنش های آنها می توان مشاهده کرد (یعقوبی، 1395).

اغلب جامعه شناسانی که به بحث کنش اجتماعی و ارزشها پرداخته اند نوعی هم جهتی و رابطه انطباقی میان آنها مفروض داشته اند. برای نمونه ماکس وبر در تبیین کنش اجتماعی و جایگاه ارزشها در زندگی اجتماعی نقش علی برای ارزشها، قائل شده است. به زعم وی، ارزش های خاص موجب کنش های اجتماعی خاص نیز می گردند. برعکس، نمادها نیز در شکل بخشی ارزشها و باورها مؤثرند. در این باره گفتمان امام حسین نیز واجد ارزشها، نگرشها، هنجارها و نمادهایی بوده است که در کنش کنشگران جنگی سهم بسزایی داشته است.

در جریان پیروزی انقلاب شاهد شکل گیری نبرد نمادین بودیم؛ نبردی که به همه چیز رنگ و بوی نمادین بخشید. بسیاری از دیوارنوشته ها، شعارها و مضامین تظاهرات مردمی و حتی شخصیت ها نیز ابعاد نمادین یافتند.

بسیاری از رهبران انقلاب به نماد نبرد حق علیه باطل تبدیل شدند (استوار، 1392 : 238). این نبرد نمادین بین نیروهای رزمنده و نیروهای عراقی ادامه یافت. امام خمینی (ره) با امام حسین (ع)، رزمندگان با یاران امام حسین و صدام با یزید و سربازان او با ایادی یزید «اینهمانی» گردید.

این ارزشها و نمادها در بین رزمندگان از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. با این مقدمه سؤال اساسی مقاله حاضر این است که گفتمان امام حسین چه تأثیری بر گفتمان پایداری گذاشته

است؟ امام حسین چگونه به مثابه تیپ ایده آل مردانگی برای جوانان رزمنده بازنمایی شده است؟

امام حسین در آینه فرهنگ ایرانی

تشیع به شهادت مفهومی بخشید که امتیاز انحصاری مردان مسلمان برای حفظ جایگاهی در بهشت از طریق فدا کردن زندگی شان برای دفاع از اسلام شده است. این مفهوم به پیشرفت اولیة اسلام، به ویژه حکومت کوتاه مدت حضرت علی (ع) و واقعه کربلا در سال 680 میلادی (61 هجری قمری) برمی گردد. پس از آنکه علی (ع) به عنوان خلیفه چهارم مسلمانان و امام اول شیعیان به شهادت رسید، امام حسین (ع) تلاش کرد تا قدرت را از یزید خلیفه وقت بازگرداند اما او در کربلا در سال 680 به شهادت رسید. علی (ع) به عنوان شخصی دلاور و امام حسین (ع) به عنوان یک شهید فداکار دو نوع مردانگی متفاوت را در اسلام شیعه نشان می دهند **1**.

این طرز تفکر امام حسین (ع) را به عنوان یک الگوی مثبت تشویق و مقاومت در برابر ظلم و استبداد نمایان می کند که در روز عاشورا، روز عزاداری شیعیان، از او تجلیل کرده و تقدیس می کنند. این سنت به تکمیل ساخت مردانگی اسامی در جوامع شیعه منجر شد. در پاسخ به فرآیند مدرن سازی، روشنفکران اسامی، مجموعه ای از عقاید جدیدی را در رابطه با اهداف ایدئولوژیکی متمایز توسعه داده اند که یکی از آن ها مبحث ارتدکسی (راست آیینی) اسلامی است که مدعی امتیاز انحصاری بیانات مذهبی مشروع و قانونی است. موارد دیگر، مباحث

غیرمذهبی و ایدئولوژی های مذهبی هستند که در نتیجه مداخله اروپایی ها، شروع به تجاوز به سرزمین کشورهای اسلامی با نیروی قدرتمندی از اواخر قرن هیجدهم کرده اند. (

Adibi : 3,2006)

به لحاظ تاریخی امپراطوری صفوی با تشکیل نخستین دولت ملی در ایران، در پی تحقق آرمان های شیعی برآمد. این امپراطوری از سال 1501 تا 1722 به طول انجامید و به شکل تقابلی در برابر امپراطوری عثمانی قرار داشت. دولت صفوی در طول حیات تاریخی و سیاسی خود تأکید بسیاری بر مردانگی دینی بر اساس مقاومت و شهادت ائمه داشت و آن را چه به شکل سیاست عملی و چه به شکل نمادین (مثل عزاداری ها و تعزیه) آشکار می کرد.

تهاجم به کشورهای اسلامی به وسیله قدرتهای مستعمراتی غربی زبان

«تجاوز به سرزمین مادری» را بانفوذ کردن در نیرویی بیگانه افزایش داد؛ بنابراین با استعمارگرایی، حفاظت مردان از شرافت زنان تبدیل به افتخار ملی گردید. این مسئله چالش هایی جدی را برای مردانگی محلی، در زمانی که شرافت مردان تهدید شده و برای حفاظت از سرزمین مادری فراخوانده می شد ایجاد می نمود. در اوایل قرن بیستم، مردانگی ها در جوامع وابسته به خاورمیانه از مردانگی های اخلاقی، قبیله ای و تباری، روستایی و شهری تا مردانگی ملی در جنبش های مستقل و سپس تا مردانگی های مختلف دوران معاصر گسترده آزمایش می شد. هرچند، پیش الگوهای برتر با شکل گیری توسط اشخاص قدرتمند ملی گرا مانند کمال مصطفی آتاتورک در ترکیه، رضاشاه در ایران، جمال عبدالناصر در مصر هم چنان باقی ماندند. رضاشاه در ایران، زنان را ممنوع الحجاب کرده و مانع از پوشش سنتی، مذهبی و اخلاقی مردان شد. ملی گرایی عرب در اول سده پنجاه تبدیل به قدرتی اجباری در تغییرات فرهنگی کل کشورهای عربی شد. (Adibi : 4,2006)

همانطور که اشاره شد در قرون اخیر، ایران به ویژه در شمال کشور و استان گیلان محل تاخت و تاز قوای خارجی قرار گرفت. واکنش جوامع پیرامونی در اقصا نقاط جهان و همچنین استان گیلان فراهم نمود. در این باره، جنبش میرزا واکنش مردان گیلانی علیه متجاوزان به سرزمین مادری محسوب می شد. میرزا به الگو و تیپ ایده آلی از مردانگی در گیلان درآمد.

وی نیز با تأسی از شخصیت های شیعه مقابله با استعمار و استبداد را سرلوحه کار خویش قرارداد. در نطقی قبل از شروع یکی از جنگ ها، میرزا یاران را اینگونه خطاب قرار می دهد: «خداوند متعال به وسیله ی محمد (ص) به ما خبر داد که بسا عده قلیل به جمعیت کثیری غلبه کرد هاند. ما از سرسلسله مجاهدین اسامی یعنی حضرت سیدالشهدا (ع) سرمشق می گیریم چه اقتدار یزید و دولت اموی کمتر از دولت تزاری و جمعیت آن سرور نیز بیشتر از این جمعیت نبود گرچه در ظاهر حضرت امام حسین مغلوب شد ولی نان نامی و اسم گرامی آن بزرگوار قلوب آزادیخواهان را همیشه به نور خود منور داشته است» (کریمی، 1382 : 399).

هما نظوری که اشاره شد مردان گیلانی در مقابل حمله کشورهای قدرتمند استعماری به ایران و گیلان واکنش نشان دادند و از حاکمیت ملی دفاع کردند:

«جنگلی ها می گویند ایران مال ایرانی است دست اغیار باید از استیلای به این مملکت قطع شود جنگلی ها می گویند ایرانیان باید در خانه ی خود بدون تجاوز و اذیت همسایگان به راحت مشغول استراحت باشند» (کریمی، به نقل از روزنامه جنگل، 1382 : 396).

غیر از میرزا کوچک خان، بسیاری از شخصیت ها از امام حسین در مبارزه علیه استعمار و استبداد استفاده نمودند. خسرو گل سرخی نیز مبارزه خویش را با امام حسین «این همانی» می کرد. وی در دفاعیاتش در دادگاه شاه گفت: «من که یک مارکسیست - لنینیست هستم برای نخستین بار عدالت اجتماعی را در مکتب اسلام جستیم و آنگاه به سوسیالیسم رسیدم.»

آنگاه به مقایسه خود با امام حسین پرداخت که نشانگر جایگاه آن امام در نزدیک روشنفکر مارکسیست بود و گفت «زندگی مولا حسین نمودار زندگی اکنونی ماست که جان برکف، برای خلق های محروم میهن خود در این دادگاه محاکمه می شویم. او در اقلیت بود؛ و یزید، بارگاه،

قشون، حکومت و قدرت داشت. او ایستاد و شهید شد. هرچند یزید گوشه ای از تاریخ را اشغال کرد، ولی آنچه در تداوم تاریخ تکرار شد، راه مولا حسین و پایداری او بود، نه حکومت یزید. آنچه را که خلق ها تکرار کردند و می کنند راه مولا حسین است. بدین گونه است که در یک جامعه مارکسیستی، اسلام حقیقی به عنوان یک روبنا قابل توجیه است؛ و ما نیز چنین اسلامی را اسلام حسینی و اسلام علی را تأیید می کنیم. «(ویک پیدیا، 1395).

شریعتی نیز تحت تأثیر گفتمان امام حسین (ع) بود؛ و شخصیت های اعتراضی و انتقادی دیگری از قبیل حضرت زینب (ع) و ابوذر مورد توجه وی داشت.

«شهادت حسینی کشته شدن مردی است که خود برای کشته شدن خویش قیام کرده است... امام حسین علیه السلام از مقوله دیگری است؛ او نیامده است که دشمن را با زور شمشیر بشکند و خود پیروز شود و بعد موفق نشده و یا در یک تصادف یا ترور توسط وحشی، کشته شده باشد. اینطور نیست، او در حالی که می توانسته است در خانه اش بنشیند و زنده بماند، به پا خاسته و آگاهانه به استقبال مردن شتافته و در آن لحظه، مرگو نفی خویشتن را انتخاب کرده است... امام حسین علیه السلام یک شهید است که حتی پیش از کشته شدن خویش به شهادت رسیده است؛ نه در گودی قتلگاه، بلکه در درون خانه خویش، از آن لحظه که به دعوت ولید - حاکم مدینه - که از او بیعت مطالبه می کرد، «نه» گفت، این، «نه» طرد و نفی چیزی بود که در قبال آن، شهادت انتخاب شده است و از آن لحظه، حسین شهید است (بی نا، 1395).

امام حسین (ع) و دفاع مقدس

در جنگ تحمیلی نیز اشعار زیادی سروده شده و توسط مرثیه سرایان ارائه شده است. یکی از نوحه-سرایان صادق آهنگران است که بیشتر نوحه های او از اشعار حبیب ا... معلمی بوده که نقش سترگی در تقویت روحیه رزمندگان در میادین نبرد داشته است.

از معلمی نوحه های به یادماندنی از جمله؛ «بانوای کاروان/ باربندید همهران/ این قافله عزم کربلا دارد»، «شور حسین است چه ها می کند»، «این لشکر حق عازم کربلاست امشب»، «

سوی دیار عاشقان رو به خدا می رویم «، «بهر آزادی قدس از کربلا باید گذشت»، «ای لشکر حسینی تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر»، «ای لشکر صاحب زمان / آماده باش / آماده باش» به جامانده است. عمده سروده های وی توسط صادق آهنگران،

مداح نام آشنای جبهه ها اجرا شده است. در جنگ بسیاری از شخصیت های دینی در تولید نمادهای دینی مؤثر بوده اند از جمله آنها امام حسین (ع) و امام مهدی (ع) بودند. در این دوره مردان رزمنده با داشتن چفیه و پیشانی بندهای یا حسین و ریش و سبیل یا پوشیدن یونیفورم نظامی یک جزء ثابت و مهم از مرد «ایده آل» را تداعی می کردند (حسینی، 1386 : 137). برخی از این اشعار عبارت تاند:

1. یکی از نوحه های صادق آهنگران در زمان جنگ تحمیلی نوحه «ای لشکر صاحب زمان آماده باش» است که از شوق رزمندگان برای دیدار امام حسین سروده شده است.

ای لشکر صاحب زمان آماده باش بهر نبردی بی امان آماده باش آماده باش رزمندگان جان به کف روز شجاعت آماده ای لشکر روح خدا گاه شهامت آماده ای نیروی اسلامیان تا بینهایت آمده از بهر دشمنان آماده باش آماده باش از شوق دیدار حسین، دلها همه شیدا شده از عاشقان کربلا پوشیده این صحرا شده در قلب این جنگ آوران شوری ز نو بر پا شده چون کوه راسخ پرتوان آماده باش

ای لشکر صاحب زمان آماده باش بهر نبردی بی امان آماده باش آماده باش بهر سرافرازی ببند بند شجاعت بر سرم بهر ملاقات خدا بنما معطر پیکرم بر بند کوله پشتی رزمنده هم سنگرم بنما ساحت امتحان آماده باش

ای لشکر صاحب زمان آماده باش بهر نبردی بی امان آماده باش آماده باش سرنیزه ها، فانسخه ها بندید محکم بر کمر بندید بند کفش ها با سرعت شیران نر بهر وداع آخرین بوسید روی یک دیگر گویید با همسنگران آماده باش آماده باش

ای لشکر صاحب زمان آماده باش بهر نبردی بی امان آماده باش آماده باش گیرید علم داران همه مردانه بیرق ها به کف با نظم و ترتیب آورید رو سوی میدان نبرد از ممینه وز میسره حمله کنید از هر طرف تازید چون شیر ژیان آماده آماده باش

ای لشکر صاحب زمان آماده باش بهر نبردی بی امان آماده باش آماده باش ثابت قدم در سنگر قرآن چو کوهی پایه جا دندان فشرده روی هم سر را سپرده بر خدا گیرید با دقت همه زیر نظر قوم دعوا گفته امیر مؤمنان آماده باش آماده باش

2. آهنگران در نوحه دیگری نیز با استناد به جمله معروف امام حسین «هیئات منا الذله» به «این همانی» میدان جنگ با صحرای کربلا می پردازد.

ما عاشق حسینیم مشتاق کاظمینیم هیئات منا الذله

در آسمان و دریا در کوهسار و صحرا طوفنده ایم هر جا هیئات منا الذله

ما پیروان و زهرا آماده ایم و برپا صد وعده داده ما را هیئات منا الذله

دشمن کجا تواند ما را عقب براند باید جهان بداند هیئات منا الذله

3. شوق دیدار با امام حسین در مرثیه دیگر از آهنگران با عنوان «هر که دارد هوس کربلا بسم الله» ارائه شده است.

بازهم آب بهانه شد و یادت کردم یادت افتادم و با گریه عبادت کردم

اشک ها ریختم و غسل شهادت کردم روضه خوانت شدم و عرض ارادت کردم

تا بیافتد به من آن گوشه نگاهت، آنگاه «هر که دارد هوس کربلا بسم الله»

حرفی از کربلا شد که دلم می لرزد چشمم از اشک پر و عکس حرم می لرزد

بازهم مرثیه در دست قلم می لرزد کوه هم شانه اش از وسعت غم می لرزد

وقت پرواز شد و باز شنیدم در راه «هر که دارد هوس کربلا بسم الله»

کاروان رفت و زمان از سفرت جا می ماند آسمان خیره به چشمان ترت جا می ماند
شهر از فیض نماز سحررت جا می ماند کعبه از گردش بر دور سرت جا می ماند
و تو گفتی که شده راه سعادت کوتاه «هر که دارد هوس کربلا بسم الله»
همگی دور تو و خیمه که می شد تاریک با دو انگشت تو دیدند خدا را نزدیک
جبرئیل آمد و می گفت به هر یک تبریک دست بیعت به تو دادند و شدند آن یاری که
نیست در باورشان یک سر سوزن اکراه «هر که دارد هوس کربلا بسم الله»
ناگهان حس غریبانه ای آمد به وجود چشم ها باز شد و در پی یک کشف و شهود
بوی سیب آمد و می خواند لبم اذن ورود در همان لحظه که غیر از تو دگر هیچ نبود
در و دیوار حسینیه همه شد مداح «هر که دارد هوس کربلا بسم الله»

**4. آهنگران در نوحه دیگر نیز، با عنوان «بهر آزادی قدس از کربا باید گذشت»
رزمندگان را با اشعار حماسی خود تهییج نموده است.**

بهر آزادی قدس از کربلا باید گذشت
از کنار مرقد آن سر جدا باید گذشت
خیز ای رزمنده شیر خانه از دشمن بگیر
بهر آزادی قدس از کربلا باید گذشت
از کنار مرقد آن سر جدا باید گذشت
خیز ای رزمنده شیر خانه از دشمن بگیر
ای سپاه و ارتش حق ای سلحشور غیور
جمله آفات و بلیات از وجودت باد دور

همچو باد صرصر از میدان می نها کن عبور
پیش رو گر روی نعش کشته ها باید گذشت

بهر آزادی قدس از کربلا باید گذشت
از کنار مرقد آن سر جدا باید گذشت

خیز ای رزمنده شیر

خانه از دشمن بگیر

با طنین نعره تکبیر خود بشکن سکوت

پاره بنما سی مها را هم چو تار عنکبوت

یاور و پشت و پناهت باد حی لایموت

با همه دشواری از کانال ها باید گذشت

بهر آزادی قدس از کربلا باید گذشت

از کنار مرقد آن سر جدا باید گذشت

خیز ای رزمنده شیر

خانه از دشمن بگیر

امر فرموده چنین فرمانده ی کل قوا

یاور مستضعفان نور هدی روح خدا

هست کلید فتح قدس اندر زمین کربلا

از سر و جان بهر فتح نینوا باید گذشت

بهر آزادی قدس از کربلا باید گذشت

از کنار مرقد آن سر جدا باید گذشت

خیز ای رزمنده شیر

خانه از دشمن بگیر

همچو شیر ای مرد میدان شهادت بر خروش

از دل و جان بهر یار یدادن اسلام کوش

پرچم توحید را بگیر بر بالای دوش

قدس از قید ستم بنما رها باید گذشت

بهر آزادی قدس از کربلا باید گذشت

از کنار مرقد آن سر جدا باید گذشت

خیز ای رزمنده شیر

خانه از دشمن بگیر

آن که با عشق خدا سرباز روح الله شد

پیشتاز اندر جهاد فی سبیل الله شد

از همه هستی خود بهر خدا باید گذشت

بهر آزادی قدس از کربلا باید گذشت

از کنار مرقد آن سر جدا باید گذشت

خیز ای رزمنده شیر

خانه از دشمن بگیر

5. یکی دیگر از مرثی‌های آهنگران مربوط به مداحی «ای لشکر حسینی ای لشکر حسینی تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر» است.

ای لشکر حسینی ای لشکر حسینی

تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر

ای یاوران قرآن

ای یاوران قرآن

از نو پیام خون داد

پور شجاع حیدر

ای لشکر حسینی

ای لشکر حسینی

تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر

ماه محرم آمد بارنگ خون لوا زد

سالار جا نثاران خیمه به کربلا زد

مولای شیر مردان از نینوا نوا زد

بر خیل ناصران دین خدا صلا زد

هل من معین برآورد هل من معین برآورد

مولای دادگستر

ای لشکر حسینی ای لشکر حسینی

تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر

برپا قیام خون کرد تا دین بپا بماند

قرآن جاودان و حکم خدا بماند

بر هر چه غیر حق است گلبانگ لا بماند

ظلم و ستم بسوزد حق پا بجا بماند

در مکتب حسینی

در مکتب حسینی

باید گذشتن از سر

ای لشکر حسینی ای لشکر حسینی

تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر

تا انقراض عالم آن خون کشد زبانه

هر جا حسین حسین است باشد از او نشانه

ایثار خون او ساخت اسلام جاودانه

گر عاشق حسینی شو سوی او روانه

دیگر چنین سعادت دیگر چنین سعادت

کی می شود میسر

ای لشکر حسینی ای لشکر حسینی

تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر

باید نمود با خون رنگین لوای نهضت

بایست جان و سر داد بهر بقای نهضت

این نهضت از حسین است جانها فدای نهضت

باید رسد به دنیا بانگ رسای نهضت

تا سخت لرزه افتد تا سخت لرزه افتد

بر کاخ هر ستمگر

ای لشکر حسینی ای لشکر حسینی

تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر

امر امام خود را باید ب هجان خریدن

باید ره خطر را تا کربلا بریدن

باید به خیمه گاه مولا حسین رسیدن

در راه عشق ورزی باید بلا کشیدن

بار سفر ببندید

بار سفر ببندید

ای تشنگان کوثر

ای لشکر حسینی ای لشکر حسینی

تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر

اکنون سپاه اسلام آماده ی رحیل است

بشتاب سوی جبهه هنگامه ی گسیل است

حق ناصران خود را هم یار و هم وکیل است

این کاروانیان را مولا حسین دخیل است

فرمان یا حسین را

فرمان یا حسین را

امضا نموده رهبر

ای لشکر حسینی

ای لشکر حسینی

تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر

ای فخر آفرینان امروز روز جنگ است

رزمندگان زمان بوسیدن تفنگ است

قرآن غریب مانده هی هی که عرصه تنگ است

در خون سرخ خفتن صد بار به ز ننگ است

آموزگار درسم

آموزگار درسم

خون کرده نقش دفتر

ای لشکر حسینی

ای لشکر حسینی

تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر

6. مرثیه سرایی آهنگران راجع به «ای کاروان که میروی شکسته دل به کربلا:»

ای کاروان که می روی شکسته دل به کربلا

ببر به محضر حسین خبر ز کربلای ما

ای کاروان که می روی شکسته دل به کربلا

ببر به محضر حسین خبر ز کربلای ما

ای کاروان که می روی شکسته دل به کربلا

ببر به محضر حسین خبر ز کربلای ما

به نور چشم فاطمه عزیز مصطفی بگو

به جان نثار راه حق شهید نینوا بگو

به غرق خون تشنه لب به عاشق خدا بگو

به آن که از برای دین سرش شد از بدن جدا

سرش شد از بدن جدا

....

ای کاروان که می روی شکسته دل به کربلا

ببر به محضر حسین خبر ز کربلای ما

نام تو ای حسین عشق برده ز دل قرار ما

ربوده هوش از سر و ز کف شد اختیار ما

تو در میان سنگری غرق به خون کنار ما

تو آن همیشه شاهدهی به هر زمان و هر کجا

به هر زمان و هر کجا

7. شعر کربلا منتظر ماست بیا تا برویم از صادق آهنگران:

جاده و اسب محیاست بیا تا برویم جاده و اسب محیاست بیا تا برویم

کربلا منتظر ماست بیا تا برویم ایست تا دست به تفسیر قیامت خورشید
ایست تا دست به تفسیر قیامت خورشید آنسوی واقعه پیداست بیا تا برویم
آنسوی واقعه پیداست بیا تا برویم خاک در خون خدا می شکفت می بالد
خاک در خون خدا می شکفت می بالد آسمان غرق تماشاست بیا تا برویم
کربلا منتظر ماست بیا تا برویم تیغ در محرکه می افتدو بر می خیزد
تیغ در محرکه می افتدو بر می خیزد رقص شمشیر چه زیباست بیا تا برویم
کربلا منتظر ماست بیا تا برویم.

البته اشعار حماسی بارنگ کربلایی منحصر به صادق آهنگران نبوده است سایر مرثیه سرایان از
قبیل کویته پور نیز با اشعار حماسی خود نقش عمده ای در حماسی سازی جبهه و جنگ
داشته است؛ که بخاطر عدم اطاله کلام به یکی از مرثیه های دوران دفاع مقدس پرداخته می
شود.

السلام ای سرزمین کربلا السلام ای منزل و مأوی ما

السلام ای وادی دلجوی عشق وه چه خوش می آید اینجا بوی عشق

السلام ای خیمه گاه خواهرم قتلگاه جانگداز اکبرم

کربلا گهواره اصغر تویی مقتل عباس نام آور تویی

آمدم آغوش خود را باز کن بستر مهمان خود را ساز کن

تیپ ایده آل مردانگی

به لحاظ نشانه شناسی تیپ ایده آل مردانگی در این دوره انسان رزمنده بوده است. بسیاری از
فیلمهای دهه شصت نیز مروج چنین تیپ از مردانگی بوده اند. مردی با سبیل یا گاهی با ریش

با لباسی مشخص و «یونیفورمی» که همراه بارنگهای سنگین است باتن صدای بسیار محکم، قاطع و امری، کاملاً عاقل و هشیار در برابر محیطی پر از خطر و توطئه که هرگز از خشونت و تهدید آن کم نمی شود، با پشتکار و فدا کردن همه چیز منجر می شود بدور از پرخوری و خوشگذرانی و پر حرفی، همیشه شاغل در شغل‌های دولتی کم درآمد که البته برای تأمین معاش کافیست، شدیداً پایبند به اصول بوده و حتی تحسین دشمنانش را هم بر می انگیزد، گرچه در رده بندی‌های اجتماعی جایگاه چندان بالایی ندارد ولی در شغل خود استقلال و قدرت تصمیم گیری فوق العاده ای داشته و حتی مسئله های خصوصی و خواسته های شخصی خود را در حال انجام کار با قدرت دنبال کرده و تصمیمات

فردی خود را اجرا می کند و آنچنان به دنبال حل این مسایل و رسیدن به امور شغلی خود است که اغلب از همه چیز (حتی خواب و خوراک و خانواده) بدور می ماند. نسبت به همسرش غیرت داشته و به والدین خودش هم احترام گذاشته و سعی می کند به آن ها کمک کند و از آن ها راهنمایی یا صلاحیت بگیرد. مسلمان و شیفته و مقید به اسام بوده، تمام فرایض دینی را انجام می دهد و از انجام هر عملی که مخالف اسلام باشد پرهیزی می کند، به وطن خود عشق ورزیده و حتی به قیمت جان و مواجهه با مخالفت خانواده یا روسا، تلاش می کند از وطن و ملتش پاسداری کند و جلوی خارجیها و دشمنان داخلی کشور را بگیرد، جوانمرد، قانون مدار بطوریکه برای رعایت اصول جوانمردی و لوطی گری و حفظ قانون حتی از منافع خود می گذرد و خود را به خطر می اندازد، گرچه خود را از طبقه متوسط روبه پایین یا فقیر جامعه است ولی از ارزشهای طبقه متوسط (بوژوازی) دفاع می کند، خیلی شجاع بوده و درگیر کارهایی می شود که بشدت خطر جانی دارند، کاملاً راستگو، خوش قول و مورد اعتماد است (حسینی، 1386 : 131).

نتیجه

در فرایند مدرنیته غربی و پدیده استعمار و استبداد در ایران گفتمان امام حسین (ع) نقش عمده ای در مقابله با آن داشت. گفتمان مزبور در زمان جنگ تحمیلی نیز ادامه یافت. با مطالعه در اشعار مداحان و مرثیه سرایان می توان دریافت رزمندگان در زمان جنگ خود را با

امام حسین (ع) و خاندان آن حضرت همذات پنداری می کردند. مداحان مزبور با مرثیه سرایی خویش جهان اجتماعی رزمندگان را نسبت به گذشته را بسط می دادند. امام حسین به مثابه یک اسطوره دینی نقش عمده ای در باور داشت های مردم داشته است و بخش عمده رفتارهای رزمندگان ریشه در باورها و عقاید دینی ملهم از واقعه کربلا دارد؛ که این عقاید در نگرش آنان به مفهوم شهادت اثر گذاشته است. این امر مفهوم «مرگ» یا «مرگ هراسی» را برای جوانان رزمنده اسطوره زدایی کرده بود. جنگ صرفاً بازتولید ارزشهای قیام کربلا نبوده بلکه در سطح نمادها نیز اثرگذار بوده است. رزمندگان شخصیت قهرمان کربلا را با اسطوره های ایرانی همسوسازی می کردند.

همسویی با نمادهایی مانند رستم و امام علی (ع) به عنوان نماد پهلوانی و شجاعت یا سیاوش و حضرت عباس به عنوان نماد از خود گذشتگی و ایثار موجبات قرابت و بازتولید نمادهای قیام کربلا می شد. همچنین، امام راحل، با تاکید بر مفهوم عاشورا و فرهنگ شهادت طلبی، به عنوان نماد مبارزه حق علیه باطل، توانست در بسیج کردن توده مردم علیه نمادهای غربی و ایجاد فضایی حماسی و گفتمان پایداری، نقش به سزایی ایفا کند. مردان رزمنده دهه شصت تیپ ایده آل مردانگی بودند که دارای ارزش ها، باورها، عقاید و رفتارها و نمادهای خاصی بودند. ساده زیستی، تدین، شجاعت، پابندی به خانواده، ایثار، گذشت، صداقت از جمله ارزش های جمعی انسان رزمنده بود. این ارزش ها با نمادهایی با پیشانی بندهای یا حسین، چفیه و... متجسد شده بود.

پی نوشت

1- قهرمان کربلا با جمله معروف: **إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لِاتِّخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ**؛ (اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید، لااقل در دنیای خود آزادمرد باشید). وقتی دید سپاه کوفه به طرف خیمه های زنان و فرزندان بی دفاع حمله می کنند. با این جمله معروف مردانگی سپاه حریف را به چالش کشید. این کلام حسینی، مربوط به زمانی است که حضرت در واپسین لحظات حیات، مجروح بر زمین کربلا افتاده بود.

منابع

- 1- استوار، مجید، (1392)، « انقلاب اسلامی و نبرد نمادها»، تهران، نشر نگاه معاصر
- 2- بی نام، (1395)، « امام حسین در آینه شریعتی»، فرهنگ کوثر، شماره 52.
- 3- بی نام، (1395)، خسرو گل سرخی، www.Wikipedia.org
- 4- حسین رشت آبادی، سید جواد (1386)، « ستاره های مردانگی و مردانگی ستاره ها»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه گیلان
- 5- کریمی، بهنام (1382)، « ایدئولوژی نهضت جنگل»، مجموعه مقالات همایش بازشناسی نهضت جنگل، رشت، انتشارات شهر باران.
- 6- بعقوبی، علی (1395)، «مردانگی و فرهنگ عام»، کتاب زیر دست چاپ.
- 7- Adibi , HOSEIN (2006) , "Sociology of masculinity in the middle east", available at:
<http://eprints.qut.edu.au>